

بیفتن سیاسی ۳

بازنویسی سید جواد طباطبایی

سقوط اصفهان
به روایت
گروسیپنسکی

نشر نگاه معاصر

درآمد

در میان گزارش‌های بازمانده از یورش افغانان و سقوط اصفهان، روایت یوداش تادوش کروسینسکی (Judasz Tadeusz Krusinsky) راهب یسوعی لهستانی، که از مبلغان مسیحی مقیم اصفهان بود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دربارهٔ سوانح احوال کروسینسکی، پایین‌تر، در متن، اشاره‌هایی خواهد آمد. در این پیشگفتار تنها نکته‌هایی را دربارهٔ کتاب‌شناسی و انتشار آن گزارش می‌آورم تا خواننده تصویری اجمالی از گزارش کروسینسکی و اهمیت آن داشته باشد. کروسینسکی که به هنگام یورش افغانان و سقوط تختگاه ایران در اصفهان به سر می‌برد، به رسم همهٔ مبلغان مذهبی و بویژه یسوعیان که به طور منظم گزارش‌های دقیقی از اوضاع کشور محل مأموریت خود به سرپرست فرقه‌ای که به آن تعلق داشتند، ارسال می‌کردند، در شورش افغانان، گزارش جامعی از وقایع اصفهان و سقوط آن به سرپرست یسوعیان در فرانسه فرستاد. این گزارش که در اصل به زبان لاتینی، زبان رایج مبلغان مذهبی، نوشته شده بود، در زمانی که اشرف افغان هنوز اصفهان را در تصرف خود داشت، به پاریس رسید و از آن‌جا که گزارشی جامع و حاوی آگاهی‌های گرانبهایی دربارهٔ سقوط یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های شاهنشاهی زمان بود که مناسبات حسنه‌ای با کشورهای اروپایی داشت و در پیکار با سلطان عثمانی نیرویی ائتلافی برای شاهان اروپایی به شمار می‌آمد، نظر سرپرست فرقهٔ یسوعیان فرانسوی را به خود جلب کرد و همان سرپرست دستنوشتهٔ گزارش یا نسخه‌ای از آن را در اختیار یکی از راهبان یسوعی، به نام آنتوان دو سیرسو (Antoine du Cerceau) گذاشت تا هر طور که صلاح می‌داند

آن متن را انتشار دهد. دُو سرسو مردی ادیب و علاقه‌مند به تاریخ بود و بر پایه گزارش کروسینسکی کتابی در دو مجلد به عنوان تاریخ واپسین انقلاب ایران به زبان فرانسه پرداخت و در سال ۱۷۲۸، نزدیک به شش سال پس از سقوط اصفهان، در حالی که هنوز اشرف افغان بخش‌های مرکزی ایران را در تصرف خود داشت، انتشار داد.^۱ دُو سرسو، از سوی مرکز ارسال مبلغان مسیحی، حوادث ایران را از نزدیک دنبال می‌کرد و به منابعی که از طریق دیگر مبلغان به پاریس می‌رسید، دسترسی داشت. افزون بر این، راهب یسوعی مقیم پاریس با مطالب همه سفرنامه‌های مهمی که پیش از آن درباره ایران دوره صفوی انتشار یافته بود، آشنایی دقیقی داشت و بسیاری از رازهای فرمانروایی ایرانیان و سرشت قدرت سیاسی در ایران را می‌دانست. کتاب دو سرسو، نظر به اهمیتی که «انقلاب ایران» داشت، در زمان انتشار آن در فرانسه، بسیار مورد توجه قرار گرفت، نخست، متن کامل آن در دو مجلد به زبان انگلیسی ترجمه شد و آن‌گاه خلاصه از آن به زبان ایتالیایی منتشر شد. تاریخ واپسین انقلاب ایران در نخستین دهه‌های سده هیجدهم، «عصر روشنگری»، انتشار یافت، دوره‌ای که تدوین فلسفه تاریخ به تازگی در آغاز شده بود و از زمان تأسیس فلسفه سیاسی جدید دو سده می‌گذشت. در انگلستان، ادوارد گیبون، نویسنده کتاب تاریخ انحطاط و سقوط امپراتوری رُم^۲ و بویژه در فرانسه، نویسندگانی مانند منتسکیو و ولتر، بسیاری از آگاهی‌های خود درباره ایران را از این کتاب گرفته و برخی نظرات مطرح شده در آن را بسط داده‌اند.

تا جایی که می‌دانیم، متن لاتینی گزارش کروسینسکی هرگز به چاپ نرسید. کروسینسکی، پس از سقوط اصفهان این شهر را ترک کرد و رهسپار قسطنطنیه شد و مدتی در این شهر رحل اقامت افکند. نسخه‌ای از

1. Judasz Tadeusz Krusinsky, *Histoire de la dernière révolution en Perse*, Paris, Briasson, 2 vol.

2. Edward Gibbon, *The history of the decline and fall of the Roman Empire*.

گزارش کروسینسکی در دربار سلطان احمد در قسطنطنیه وجود داشت و پس از استفتاء از مفتی اعظم خلافت عثمانی مبنی بر جواز شرعی ترجمه گزارش به خامه مترجمی به نام ابراهیم با عنوان تاریخ سیاح به ترکی عثمانی برگردانده شده و به چاپ رسیده است.^۱ واژه «سیاح» در عنوان تاریخ سیاح ترجمه ترکی عثمانی گزارش اشاره به کروسینسکی دارد و مترجم با توجه به عرف زمان که بیشتر اروپاییانی که به کشورهای شرقی سفر می‌کردند، جهانگردان بودند، راهب یسوعی را سیاح - یا جهانگرد - معرفی کرده و گزارش را نیز رساله‌ای در تاریخ سیاسی ایران خوانده است. ترجمه تاریخ سیاح، به گونه‌ای از واپسین صفحه کتاب آمده، در اول ذیحجه سال ۱۱۴۱ به پایان رسیده و در اول صفر ۱۱۴۲ در شهر قسطنطنیه در قطع خشتی به چاپ سنگی رسیده است. مقدمه مترجم فاقد شماره صفحه است، متن با ورق «۱» شروع می‌شود و با ورق «۹۷» به پایان می‌رسد. بنابراین، تاریخ سیاح دارای نود و هفت ورق و صفحه آخر آن فاقد شماره است. مقدمه مترجم فاقد شماره صفحه است و من آن را از «۱» تا «۴» شماره‌گذاری کرده‌ام تا ارجاع به آن آسان‌تر باشد. ابراهیم در مقدمه خود در «سبب تحریر مشکین نقاب» آورده است که ترجمه در «عهد خلافت» «خلاصه دودمان خلافت و نقاوه خاندان سلطنت صاحب قران» «ملوک العرب و العجم و الروم ... السلطان الاعظم ابن السلطان الاعظم ابو الفتوح و المغازی السلطان الغازی احمد خان»^۲ و با دستور «مقام صدارت عظمی سایه‌انداز مسند وکالت کبری، وزیر برجیس فطنت، مشیر عالی همت باب مداین الطاف و کرم، داماد شهریار معظم آغنی به حضرت ابراهیم پاشا» انجام پذیرفته است. به اسم مترجم، «ابراهیم»، تنها در ورق ۱ چ متن اشاره

۱. مترجم در مقدمه می‌نویسد که «مولانا عبدالله افندی حضرت‌ترندن استفتاء اولوب» و او «اشرف مساعی و احسن صنایع اولمغله منافع عامه‌بی متضمن بر فن مفید اولدغین اشعار» و پس از آن‌که فرمان همایونی صادر شده، مترجم «لسان لاتیندن ترکیه تبدیل و ترجمه و باصمه» کرده است. تاریخ سیاح، «مقدمه مترجم»، ص. ۳-۴.

۲. تاریخ سیاح، همان، ص. ۱.